



The Neglected half of *Owrād ol-Ahbāb* va *Fosūs ol-Ādāb*

Mohammad. Shadroymanes^{1*} -Mojtaba. Moradi²

1: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding Author): shadrooy@khu.ac.ir

2: PhD student of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract: *Owrād ol-Ahbāb* va *Fosūs ol-Ādāb* is a literary work in Persian by Abul Al-Mafākher Yahyā Bākharzi, a modern preacher and mystic of the Kubrawi order in the 14th century. This book explores the manners, customs and spiritual practices of Sufism and is one of the most important references in the researches related to the customs of Khānqāh (the sufi convent) and the traditions of the Sufis. This work basically consists of two main parts; *Owrād ol-Ahbāb* and *Fosūs ol-Ādāb*. The first part of the book, *Owrād ol-Ahbāb*, has not been published yet. The second part, *Fosūs ol-Ādāb*, which is dedicated to the subject of Sufi ethics and the Khānqāh system, was published under the full title of the book (*Owrād ol-Ahbāb* va *Fosūs ol-Ādāb*) in the first Iranian Studies Congress in 1964 edited by Iraj Afshār. Emphasizing the unpublished part of the book (*Owrād ol-Ahbāb*), this article introduces the versions of this work and examines its features and importance in the Sufi intellectual system, in general, and the Bākharziye of Kubrawi order in particular. Also, the linguistic features of the work have been examined in terms of phonetic issues, conversion of consonants and vowels, vocabulary, construction and usage of verbs, and syntactic issues by citing multiple evidences.

Keywords: *Owrād ol-Ahbāb* va *Fosūs ol-Ādāb*, Abul-Mafākher Yahyā Bākharzi, literature of Sufism, mystical texts of the 14th century.

- M. Shadroymanes; M. Moradi. "The Neglected half of *Owrād ol-Ahbāb* va *Fosūs ol-Ādāb*". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(40). 157-182.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34143.2470](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34143.2470)

سال شانزدهم - شماره ۴۰ - تابستان ۱۴۰۴

صفحات ۱۸۲ - ۱۵۷ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ بازنگری ۱۴۰۳/۰۷/۰۵ پذیرش ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب

محمد شادروی منش^{۱*} / مجتبی مرادی^۲

shadrooy@khu.ac.ir

۱: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده: اوراد الاحباب و فصوص الآداب کتابی است در حوزه ادبیات، آداب و فرهنگ تصوف به زبان فارسی از ابوالمفاخر یحیی باخرزی محدث، واعظ و عارف سلسله کبرویه در قرن هشتم. این کتاب از مراجع مهم در پژوهش‌های مربوط به آداب خانقاه و اعمال صوفیان است. این اثر در اصل، دارای دو بخش عمده است: ۱. اوراد الاحباب و ۲. فصوص الآداب. بخش اول کتاب (اوراد الاحباب) تا کنون به چاپ نرسیده است. بخش دوم این کتاب که به موضوع آداب صوفیه و نظام خانقاه اختصاص دارد و عنوان فصوص الآداب دارد، ذیل نام کامل کتاب (اوراد الاحباب و فصوص الآداب) در نخستین کنگره ایران‌شناسی در سال ۱۳۴۵ به‌اهتمام ایرج افشار به چاپ رسیده است. این مقاله با تأکید بر بخش چاپ‌نشده کتاب (اوراد الاحباب)، به معرفی نسخه‌های این اثر، بررسی ویژگی‌ها و اهمیت آن در نظام فکری صوفیان، به‌صورت عام و سلسله کبرویه باخرزی به‌صورت خاص می‌پردازد. همچنین ویژگی‌های زبانی اثر، در موضوعاتی مانند مسائل آوایی، تبدیل صامت‌ها و مصوت‌ها، واژگانی، ساخت و صرف افعال و مسائل نحوی با ذکر شواهد متعدد بررسی شده است.

کلیدواژه: اوراد الاحباب و فصوص الآداب، ابوالمفاخر یحیی باخرزی، ادبیات تصوف، متون عرفانی قرن هشتم.

- شادروی منش، محمد؛ مرادی، مجتبی (۱۴۰۴). «نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب».

دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۶ (۴۰) ۱۵۷-۱۸۲.

Doi: 10.22075/jlrs.2024.34143.2470

۱. مقدمه

اوراد الاحباب و فصوص الآداب تألیف ابوالمفاخر یحیی باخرزی (؟ - ۷۳۶ ق)، محدث، واعظ و عارف سلسله کبرویه، فرزند برهان الدین احمد (؟ - ۶۹۶ ق) و نواده ابوالمعالی سیف الدین باخرزی (۵۸۶ - ۶۵۹ ق) است. این اثر کتابی است مفصل در باب مباحث تصوف، اوراد و اذکار صوفیه و آداب و رسوم خانقاه و دو قسم جداگانه را همچون دو کتاب مستقل در بر دارد. قسم اول، «اوراد الاحباب» حاوی بیست و پنج «فصل»^۱ و قسم دوم، «فصوص الآداب» مفصل تر از قسم اول و دارای چهل فصل است. این نکته که فصول کتاب با عنوان فصوص آمده است؛ همچنین تصریح مؤلف به اینکه «ما لابد للمريد» تصنیف ابن عربی (۵۶۰ - ۶۳۸ ق)، از مآخذ عمده او در تألیف کتاب بوده است، نفوذ محیی الدین را در این کتاب قابل ملاحظه نشان می دهد (رک: زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۶۸). این کتاب در مباحث مربوط به آداب خانقاه و رفتارهای صوفیان، از جمله مراجع مهم محققان است.

۱-۱. مسئله پژوهش

برخلاف شیوه معمول، قسم دوم کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب (یا به تعبیری، جلد دوم آن، یعنی فصوص الآداب) به اهتمام ایرج افشار (۱۳۸۹ ش - ۱۳۰۴ ش) در سال ۱۳۴۵ چاپ شده است و قسم نخست آن (یعنی اوراد الاحباب) که در حقیقت پایه و مقدمه ای است برای ورود به مباحث اصلی بخش دوم، تا کنون چاپ و عرضه نشده است. از آنجا که بخش نخست کتاب اهمیت ویژه ای دارد، لازم است معرفی، تصحیح و عرضه شود.

۱-۲. هدف پژوهش

هدف این پژوهش آشنا ساختن مخاطب با بخش عمده و مهمی از ادبیات تعلیمی صوفیان و بیرون آوردن اثری مهم از کمون به ظهور است. معروفیت بخش دوم کتاب (فصوص الآداب) موجب شده است که بخش نخست (اوراد الاحباب) به کلی مغفول بماند و فواید ادبی، اجتماعی و تاریخی آن در کانون توجه محققان نباشد. اشتباه بخش

دوم کتاب تا آنجاست که نام مشهور کتاب، *اوراد الاحباب*، در حقیقت متعلق به بخش چاپ نشده کتاب است و آنچه چاپ شده است، *فصوص الآداب* است.

۳- ۱. پیشینه پژوهش

بخش *فصوص الآداب* از کتاب *اوراد الاحباب و فصوص الآداب* در سال ۱۳۴۵ در نخستین کنگره ایران‌شناسی در سلسله انتشارات دانشگاه تهران با عنوان کلی کتاب (یعنی *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*) به تصحیح و اهتمام ایرج افشار به چاپ رسیده است. مصحح با حسن تعلیلی فروتنانه، دلیل نپرداختن به تصحیح و چاپ قسم نخست را «نداشتن بضاعت در وقوف بر اذکار و اقوال» ذکر کرده است (ر.ک: مقدمه *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، ص ۱-۲). تاکنون همچنان این قسم به طبع درنیامده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «منقولات از *اوراد الاحباب* در مقامات و کرامات سیف‌الدین باخرزی» در مجله *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران* (سال نهم شماره ۴، تیر ۱۳۴۱، ۷۴-۵۹) بدون ذکر نام نویسنده به چاپ رسیده است. این مقاله در حقیقت گلچین مختصری از مطالب مندرج در *اوراد الاحباب* است و فاقد هرگونه مقدمه، توضیح، شرح و تحلیل است و صرفاً برای آشنا ساختن مخاطب با اثر فراهم آمده است.

جز این‌ها کتاب یا مقاله‌ای که مرتبط با موضوع این مقاله باشد دیده نشد.

۲- بحث در کتاب

از آنجا که ساختار این کتاب دو بخش عمده و به تعبیری دو جلد است، عنوان کتاب نیز به دو بخش قابل تقسیم است: بخشی به *اوراد* اختصاص یافته است (یعنی *اوراد الاحباب*) و بخشی به *آداب* (یعنی *فصوص الآداب*). مؤلف از این موضوع چنین تعبیر می‌کند: «... و او را کتاب *اوراد الاحباب و فصوص الآداب* نام شد و بر دو قسم منتصف کرده آمد بعون الله الوهاب...» (باخرزی، ۷۹۷: گ ۱ پ) موضوع بخش نخست، چنان که از نام آن نیز پیداست، *اوراد صوفیان* و به تعبیری نیایش است که در ادب فارسی بخش

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۶۱
عمده‌ای از متون مهم عامّ از شعر و نثر- را دربرمی گیرد و گویندگان در آن هنرنمایی و سحرآفرینی کرده‌اند. (برای نمونه، رک: توکلی، ۱۳۹۸: ۱۶۰-۱۲۷).

۲-۱. سبب تألیف کتاب

مراد باخرزی از تألیف این کتاب، چنان که خود در سرآغاز آن می گوید، جمع و تدوین اذکار، اوراد و آداب صوفیه به زبان فارسی بوده است: «خاطر جازم بود و دل عازم و اُمّیت دامن گیر و نیت صادق و تمنی متقاضی و شفقت حاصل و همت مایل تا خلاصه اوراد و لطف آداب که این طایفه صوفیه و فرقه واصله حلیه بدن و زینت باطن گردانیده‌اند و ملازمت آن را بر قالب قلب واجب و لازم شناخته و در رسایل مختصره و کتب مطوّله به انامل شریفه مقید کتابت کرده‌اند، به زبان فارسی جمع کرده شود و به لغت دری ترجمه کرده آید که در این دور و این دیار اکثر فقرا و اهل خرّقه از لغت عربی، بی نصیب‌اند» (باخرزی: ۷۹۷، گک ۱ پ).

۲-۲. زمان تألیف

قسم نخست کتاب، چنان که در دیباچه آن مرقوم شده، رمضان سال ۷۲۳ هـ.ق است: «... عاقبة الامر در شهر الله المبارک رمضان- عمّت میامنه- لسنة ثلث و عشرين و سبعمائه، توفیق رفیق و الهام ملقّن و عنایت مرشد گشت تا این چند ورق صورت ارقام یافت» (باخرزی، ۷۹۷: گک ۱ پ).

۲-۳. آغاز کتاب

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الاول الازلّی قبل الّکون و المکان عن غیر اوّل و لا بداية الآخر الابدیّ بعد فناء المکونات و الأزمان بغیر آخر و لا غاية و صلوات الله علی سید الاولین و الآخرين ... تا هدایت الهی و عنایت پادشاهی سابقه مطیّة نفس ناطقه و جاذبه روح و روحانیّه گشت و او را از غوایت ضلالت خودرایی و خودکامی «إِنْ ضَلَلْتُ فَأَنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي» [سبأ / ۵۰] به شارع متابعت نبوت و جاده سلوک طریقت «و إِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي» [سبأ / ۵۰] انداخت ... و از شهد مصفای حقایق و رقایق، چاشنی بخشید ... تا هستی جمله اشیا که فیضان شعاع آن آفتاب منعدم شد و جزو هر ذره

آن اشیاء از ظهورِ احدیّت، هستیِ تمام و عینیّتِ بردوام پذیرفت و دلِ بیچاره از وسعتِ «ولکن یسعی قلب عبدی المؤمن» خبری یافت. و با همه چیز، بی همه چیز، با خود، بی خود بیارامید» (باخرزی، ۷۹۷: گک ۱ پ).

۴-۲. انجامه قسم اول کتاب

«... تمام شد تألیفِ نصفِ اولِ کتابِ اورادِ الاحباب و فصوصِ الآداب، بحمدِ الله و حُسنِ توفیقهِ و الهامهِ و ارشاده و فضله و موهبتهِ و قدرته در مقامِ روح‌انگیزِ دارالامان فتح آباد، بر عتبه روضه مقدسه مطهره شیخ العالم، قطب الوقت، سرّ الله فی الارض، سیف الحق و الدّین، ابوالمعالی، سعید بن المطهر بن سعید الباخری الصّوفی، رضوانُ الله و سلامه علیه... و الله یعصمنا و ایاکم من الزلّل و الخطأ إن شاء الله و لا حول و لا قوه الا بالله و استغفرُ الله و اتوبُ الیه إنه الجواد الرحیم القادر المقدر الوهاب یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید» (همان: گک ۸۳ پ).

۵-۲. مآخذ کتاب

قسمت عمده مطالب این بخش، چنان که مؤلف خود تصریح می کند، مأخوذ از کتابِ قوتِ القلوب ابوطالب مکی (؟ - ۳۸۶ ق) است و فقط بخشی از اورادِ بامداد را از مصنفاتِ جدّ خویش، سیف الدّین باخرزی، برگرفته است: «و مجموع آنچه در این نصفِ اول، که اورادِ الاحباب است، نبشته شد، ترجمه بعضی از کتابِ قوتِ القلوب است من تصانیف ... شیخنا ابوطالب المکی - رضی الله عنه - الا یک نیمه اورادِ بامداد که در وردِ اولِ روز نبشته شده است که آن را شیخ العالم، ختم المحدثین، سیف الدّین الباخری از احادیث صحیحین و غیرهما جمع فرموده است و بر آن اعتماد است» (باخرزی ۷۹۷: گک ۸۳ پ؛ افشار ۱۳۸۳: ۳۲-۳۱).

۶-۲. نثر کتاب

نثر این کتاب، ساده، روان و بی تکلف است و نقلِ اخبار، احادیث، آیات و نیز آوردنِ اشعارِ عربی و فارسی در مطاوی عبارات، برای توضیح مطالب یا اثباتِ آن‌ها و امثال این مقاصد است، نه به قصدِ تزیین عبارات و تکلف و چون مؤلف آن را برای متصوّفه

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۶۳
بی‌نصیب از لغت عربی نوشته، از آوردن لغاتِ مهجور پرهیز کرده است (صفا ۱۳۸۶:
۱۲۶۳؛ افشار ۱۳۸۳: ۴۱).

آیات، احادیث، اخبار، سخنان عارفان، مثل‌های عربی و سروده‌های عربی و فارسی، همانند دیگر متون از این دست، در لابه‌لای سطور متن نیز به‌وفور دیده می‌شود و گاه تمام‌کننده جمله‌اند و گاه جمله معترضه و زائد بر کلام و گاه مضاف‌الیه قرار گرفته‌اند. همچنین مؤلف گاه برای اثبات نظرها و گفته‌های خود، به حکایت‌ها و مطالبی از سیره رسول اکرم (ص) و اصحاب آن حضرت استناد کرده است.

از ویژگی‌های بلاغی این متن، کاربرد پرسامد واژه‌های مترادف و متضاد است: «و مثل خواب به نزدیکِ اهلِ اعتبار مثلِ برزخ است و آن عالمی است میانِ دنیا و آخرت و خواب نیز برزخ است میانِ حیات و ممات» (گک ۳۰ پ).

همچنین به‌ندرت آرایه‌های سجع، موازنه، جناس، مراعات‌النظیر و... را به کار برده است: «خاطر جازم بود و دل عازم و اُمنیت دامن‌گیر و نیت صادق و تمنی متقاضی و شفقت حامل و همت مایل تا خلاصه اوراد و لطف آداب که این طایفه صوفیه و فرقه واصله - قدس الله ارواحهم و رضى الله عنا بهم - حلیه بدن و زینت باطن گردانیده‌اند و ملازمت آن را بر قالب قلب، واجب و لازم شناخته و در رسایل مختصره و کتب مطوله به انامل شریفه مقید کتابت کرده‌اند» (گک ۱ پ).

همچنین، در باب جمله‌های پرسشی باید گفت «جملات پرسشی به سبب دارا بودن معنای درخواستی، موجب خروج متن از شکل یک صدایی صرف به چند صدایی می‌شوند» (طالبیان و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۰۱). در این متن بیش از صد بار جملات پرسشی به کار رفته است. «جملات با وجه پرسشی، از منظر رفتار، روح و جریانِ گفتمان، با وجه امری تفاوت بسیاری دارند. وقتی جمله امری باشد، امرکننده معمولاً منتظر پاسخ از سوی مخاطب نیست و همین مسئله موجب پویا نبودن و فقدان چرخش کلام میان طرفین سخن می‌شود؛ اما در وجه پرسشی، پرسشگر، خواهان پاسخی متناسب از مخاطب خود است که این موضوع در فضای متن، نوعی چالش ایجاد می‌کند» (همان ۱۴۰۲: ۲۰۲-۲۰۱).

۲-۷. اشعار عربی و فارسی

در بخش *اوراد الاحباب* ۱۷ بیت عربی آمده است: از ابن عربی ۴ بیت، ابن فارض (۶۳۲ - ۵۷۶ ق) ۱۱ بیت و علامه حلّی (۷۲۶ - ۶۴۸ ق) ۲ بیت و ۷ بیت فارسی که یک بیت (با اختلاف جزئی) از سنایی (۵۲۹ - ۴۶۷ ق) [با اختلافی جزئی] و یک بیت از سعدی (؟ - ۶۹۱ ق) و ۵ بیت دیگر ظاهراً از سیف الدین باخرزی است و مؤلف بنا بر مناسبت آن اشعار با کلامش، از آن‌ها بهره برده است.

۲-۸. نسخه‌های *اوراد الاحباب*

با وجود تسهیلات خاصی که مؤلف در وقف‌نامه برای استنساخ کتاب در نظر گرفته بوده، نسخه‌های موجود آن ظاهراً متعدد نیست و دلیل آن هم مشخص نیست: «... کتابی را که این واقف مذکور - سلمه الله - آن را تألیف و تصنیف کرده است، در علم طریقت و آن را کتاب *اوراد الاحباب* و فصوص *الآداب* نام نهاده که هر کس که از بندگان خدای که خواهد تا آن کتاب را بنویسد به خط خود یا استکتاب کند، خواه در فتح آباد و خواه در شهر بخارا و نواحی او، باید که متوکی و خادمان خانقاه از مال این اوقاف، کاغذ و سیاهی و قلم به آن کس دهند؛ همان مقدار که کفایت آید تا او به جهت خود این کتاب را بنویسد» (افشار ۱۳۸۳: ۳۹).

۲-۸-۱. نسخه‌های موجود

۱. نسخه کتابخانه نافذپاشا به شماره ۳۵۵ که عکس آن در دو مجلد به شماره‌های ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. تاریخ کتابت این نسخه به شرحی که در انتهای آن مرقوم شده، غره ربیع الآخر سال ۷۹۷ ق است.
۲. نسخه کتابخانه دانشگاه دولتی تاشکند، به شماره ۱۷۵۰۲۱ مکتوب سال ۱۰۳۱ ق است.^۲

۳. منتخبی از این کتاب در ضمن مجموعه شماره ۱۱ کتابخانه ایاصوفیه به شماره ۴۷۹۲ نگهداری می‌شود (دانش پژوه ۱۳۵۳: ۲ / ۳-۲؛ افشار ۱۳۸۳: ۳۵-۳۱). که درواقع

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۶۵
 منتخبی است از فصّ سی و یکم قسم دوم این متن، «فصوص الآداب» «باب السّماع» و به
 هیچ یک از فصوص دیگر کتاب نپرداخته است.

همچنین مصحح قسم دوم (فصوص الآداب)، ایرج افشار، در مقدمه چاپ دوم به
 وجود نسخه مورخ ۷۲۹ ق اشاره کرده اند که در دهه پنجاه شمسی در کتاب فروشی
 «اوتوهاراسویتز» (۳) در شهر ویسبادن، به فروش گذاشته شده و عکس صفحه نخست
 آن را از روی کاتالوگی که کتاب فروشی مذکور منتشر کرده بوده، در مجله راهنمای
 کتاب (۲۰: ۳۳۶) به چاپ رسانیده است و ظاهراً خود ایشان نیز به این نسخه دسترسی
 نیافته است.

۳. ویژگی های زبانی

۳-۱. تبدیل مصوت ها

ا / آ: سودا / سودآ: «حجره دل خاص با سودآی او پرداختند» گ ۷۶ پ، آدا [=]
 ادا] گ ۵۳ ر....

ا / او: خورد [= خُرد] «او را در چشم ایشان، خورد و حقیر گرداند» گ ۵۰ پ،
 چونین [= چنین] گ ۵۵ پ

او / اُ: خُد [= خود]: با خُد، بی خُد ۱ پ، خُرشید [= خورشید] گ ۲ پ.

ی / آء (ی نشانه اضافه، در کلمات مختوم به مصوت بلند a به صورت همزه نشان
 داده شده است): «و در وی چیزهآء [= چیزهای] عظیم دیدم» گ ۱۴ ر....

۳-۲. تبدیل صامت ها

ج / ژ: هجده / هژده گ ۶۹ ر؛ کجی / کژی گ ۵۹ ر

د / ت: آیت [= آید] گ ۲۳ ر؛ باشیت گ ۷۰ پ؛ بدهیت گ ۷۴ ر؛ برگزینیت گ
 ۷۱ پ؛ بودیت گ ۷۲ پ؛ بینیت گ ۷۰ ر؛ خواهیت گ ۶۳ پ؛ ساخته ایت گ ۴۸ ر؛
 فرست گ ۲۸ ر؛ طلیت گ ۶۳ پ؛ کنیت گ ۷۰ ر؛ مدهیت گ ۵۷ پ؛ مردیت گ
 ۷۲ پ؛ مکنیت گ ۴۸ ر؛ منشینیت گ ۶۵ ر؛ می خفیت، می خندیدیت گ ۷۳ پ؛
 می داریت گ ۴۷ پ؛ می یابیت گ ۷۰ ر؛ نمی دهیت گ ۷۳ پ (۴).

ادغام ت / ت: دوستر [= دوست تر] گک ۴۲ ر.

۳-۳. کثرت فعل های پیشوندی

اندر آمدن گک ۴ پ؛ باز آمدن: گک ۱۵ پ؛ باز آوردن گک ۸۳ ر؛ بازخواست گک ۷۱ ر؛ بازخواندن گک ۴۴ ر؛ بازداشتن گک ۳۲ پ؛ بازراندن گک ۲۷ ر؛ بازرفتن گک ۵۲ پ؛ بازگذارن گک ۷۶ پ؛ بازگرداندن گک ۲۵ پ؛ بازگردانیدن گک ۴۲ پ؛ بازگردیدن گک ۱۵ پ؛ بازگفتن گک ۱۴ ر؛ بازماندن گک ۷۹ پ؛ بازیافتن گک ۸۰ ر؛ بر آمدن [= شدن، گشتن] گک ۲۳ پ؛ بر آمدن [= به بالا رفتن] گک ۵۴ ر؛ برآمدن [= رسیدن] گک ۱۹ ر؛ برآمدن [= طلوع کردن] گک ۳ پ؛ برآوردن [= روا کردن] گک ۲۶ ر؛ برآوردن [= بالا بردن، رفعت دادن] گک ۳۱ ر؛ برآوردن [= بلند کردن] گک ۳۹ پ؛ برآوردن [= برداشتن، بالا بردن] گک ۴۲ پ؛ برافروزاندن گک ۵۳ ر؛ برانگیخته گک ۳۰ پ؛ برانگیزاندن گک ۲۸ ر؛ بر بستن گک ۳۹ ر؛ برچیدن گک ۵۳ پ؛ برخاستن گک ۲۴ ر؛ بر خواندن [= خواندن] گک ۴ پ؛ برخیزانیدن گک ۵۶ پ؛ برخیزنده گک ۲۳ ر؛ بر شمردن گک ۱۶ پ؛ برکشیدن [= وزن کردن] گک ۷۴ پ؛ برگرداندن گک ۶۵ ر؛ برگردیدن گک ۳۶ پ؛ برگرفتن گک ۴۸ پ؛ برگزیدن گک ۷۴ ر؛ برگزیده گک ۴۶ ر؛ درآمدن (= آمدن) گک ۳۳ ر؛ درآمدن [= رسیدن] گک ۲۰ ر؛ درآموزانیدن گک ۱۵ ر؛ درآمیختن گک ۳۴ ر؛ درآوردن گک ۶۳ پ؛ درافتادن گک ۸۰ ر؛ درانداختن گک ۸۱ پ؛ درایستادن گک ۱۶ پ؛ درباخته گک ۴ پ؛ در بستن گک ۷۵ پ؛ درپوشیدن گک ۶۹ ر؛ درپیشیدن گک ۵۳ ر؛ دردادن گک ۳۵ ر؛ درکشیدن [= نوشیدن] گک ۱۴ ر؛ درکشیدن [= طول کشیدن] گک ۵۳ پ؛ درگذراندن گک ۱۴ پ؛ درگذشتن [= گذشتن، سپری شدن] گک ۴ پ؛ درگذشتن [= عدول کردن] گک ۴۵ ر؛ درگردیدن گک ۳ ر؛ درگنجیدن گک ۶۶ ر؛ درماندن گک ۷۵ پ؛ درمانده گک ۶۲ ر؛ دنوردیدن گک ۵۱ پ؛ دریافتن [= درک کردن] گک ۱۴ ر؛ دریافتن [= جبران کردن] گک ۱۸ پ؛ دریافتن [= غنیمت شمردن، فرصت شمردن] گک ۲۳ پ؛ فراگرفتن گک ۴۱ ر؛ فروآمدن گک ۳۳ پ؛ فروآوردن گک ۷۰ پ؛ فروآینده گک ۳۲ ر؛ فروانداختن گک ۴۲ ر؛ فروخوانانیدن گک ۷۶ ر؛ فروخواندن گک ۴۲ ر؛ فرورفتن [= رکوع و سجود

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۶۷
 کردن] گ ۵۹؛ فرورفتن [مجازاً = غروب کردن] گ ۳؛ فروریختن گ ۵۳؛ فرو
 فرستادن [= نازل کردن] گ ۴۴؛ فروکوبیدن گ ۳۳؛ فروگذاشتن گ ۱۶؛
 فروگذاشتن گ ۳۶؛ فروگشادن گ ۶۴؛ فرومالیدن گ ۲۹؛ فروماندن گ ۴۵
 پ؛ فرومردن گ ۶۵؛ فرود آمدن گ ۲۸؛ فرود آوردن گ ۲۹؛ فرود رفتن گ
 ۵۰.

۴-۳. به کار بردن ترکیبات، افعال و عبارات عربی

الی یومنا هذا گ ۶۲، خالصاً لله گ ۶۳، طرفة العين گ ۷۷، عاقبة الامر گ
 ۱، علی الدوام گ ۷۳، عند ادبار النجوم، عند طلوع الفجر گ ۴، غیرهما گ
 ۸۳، فکیف گ ۸۱، قرّة عین گ ۳۲، قوماً بعد قوم گ ۷۱، لامحاله گ ۵۵
 ر، ما بین العشاءین گ ۲۸، مالایعنیه گ ۶۴، مستقبل القبلة گ ۱۵، من حیث لا
 یحتسب گ ۷۳، مندوبٌ الیه گ ۱۵، نعوذ بالله من ذلک گ ۴۵، واجب الاتّباع
 گ ۶۸.

۵-۳. ساختن افعال / صرف افعال

صرف فعل مجهول با «آمدن»: «اسماء کُتبی که این معانی از آنجا انتقاد و انتقال افتاد،
 مبین و مفصل کرده آید» گ ۲.

به کار بردن فعل ماضیه جای مضارع: «گفت: جمیع شب برمی خیزم و هیچ از شب
 نمی خفتم [= نمی خوابم] و در وی قرآن می خوانم» گ ۳۵.

مضارع اخباری به جای التزامی: «هر که روز آدینه، نماز صبح را به جماعت گزارَد و
 در مسجد نشیند و خدای را یاد می کند [= بکند] تا آفتاب برآید، او را در فردوس،
 هفتاد درجه دهند» گ ۲۷.

وجه امری با افزودن پیشوند فعلی «می» در آغاز (وجه امری در این متن اغلب با
 پیشوند فعلی «ب» بر سر بن مضارع است؛ ولی در مواردی با پیشوند «می» به کار
 رفته است): می خوان، می ده گ ۲۱، می گزار گ ۲۲.

وجه تمنّایی با افزودن «ی» در آخر فعل: «مقربان تمنّا برّند که کاشکی از شهدا بودیمی و شهیدان در این آرزو باشند که کاشکی از صدیقان بودیمی» گک ۷۴ پ.
افعال منفی: ناشنیدن گک ۴ ر، نشاید [= شایسته نیست] گک ۵۶ پ، نگذشتی گک ۵۰ پ.

منفی کردن فعل با «نی» [= نه]: «نی شادی تمام از او یافتم و نی هرگز دل را از او شفا دادم» گک ۳۳ ر.

کاربرد گونه‌ای جملات شرطی منفی: «اگر نه چنین کند، بامداد برخیزد کاهل و خبیث النفس» گک ۳۶ پ.

به کار بردن فعل نهی با «م»: مخور گک ۶۲ پ، مدهیت (= مدهید) گک ۵۷ پ، مکن گک ۶۵ پ.

به کار بردن «باش» در معنی «باشد»: «هرچیز که تو را از حضرت محبوب کند، دنیای توست خواه آن چیز دنیا باش خواه عقبی» گک ۶۵ پ.

به کار بردن «مثل» در معنی «برابر» در ترکیب‌هایی مانند: دو مثل گک ۲۴ پ، ده مثل گک ۲۶ ر، یک مثل گک ۲۴ پ.

۳-۶. تکرار کلمات به صورت قید

اندک اندک گک ۲۴ پ، حزب حزب گک ۴۱ پ، دو رکعت دو رکعت گک ۲۲ پ، یکان یکان گک ۴۲ ر.

«صحابه - رضوان الله علیهم اجمعین - قرآن را حزب حزب کرده‌اند» گک ۴۱ پ.
پاره‌ای از واژگان که کهنه‌تر می‌نماید، عبارتند از: استون گک ۵۶ پ، اومید گک ۴۰ ر، دیباه گک ۵۷ ر، فریشتگان گک ۴۱ ر، فریشته گک ۳۲ پ، کڑی گک ۵۹ ر، می‌درفشد گک ۲۶ پ، نبشته شده گک ۷۱ ر، نبشتیم گک ۷۹ پ، هژده گک ۶۹ ر.

۳-۷. نشانه‌های جمع

به کار بردن «آن» به صورت آی مدی در معنی جمع: کافران گک ۴۵ ر، متکبران گک ۴۷ پ، مسلمانان گک ۵۲ پ.

نیمۀ مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۶۹

جمع بستن کلمات عربی با «ها»: دعاها ۲۷ الف، ذکرها ۲۶ الف، رکعت‌ها، سکتها ۶۱ ب، سوره‌ها ۲۲ الف، طعامها ۲۱ الف، نفَس‌ها ۷۲ ب.

جمع بستن جمع‌های مکسر با «ها»: اورادها گ ۳ ر، اطرافها گ ۱۸ پ.
جمع بستن به «ات»: آئات گ ۱ پ، آیات گ ۲۱ پ، جمادات گ ۱۸ پ، دعوات گ ۱۵ ر، زیجات گ ۲۵ پ، طاعات، منهیات گ ۱۵ ر.

به کار بردن صیغۀ جمع برای «اُمّت»: «در خبر است از رسول - صَلَّى الله علیه و سلّم - که چون اُمّت من دنیا را و درم را بزرگ و عزیز دارند، هیبت اسلام از ایشان بیرون رود» گ ۴۷ پ.

به کار بردن فعل جمع و مفرد برای اسم جمع «قوم»؛ مانند خواند و خوانند در جمله‌های ذیل:

«خدای - عزّ و جلّ - آن امام را که قوم خود را مهلت ندهد تا فاتحه **خواند** و این نقصان در نماز قوم کند، هرآینه آن امام را بی شک و ریب بازخواست و حساب کند» گ ۶۱ پ.

«قوم را مهلت نمی‌دهد تا فاتحه **خوانند**» گ ۶۱ پ.

به کار بردن فعل جمع و مفرد برای «مردم»: «مردم آن را **نمی‌دانند**» گ ۱۵ ر.
«در مکانی که مردم او را **نبیند**» گ ۱۹ پ.

به کار بردن فعل جمع و مفرد برای «هرکس» یا «هرکسی»:
«هرکس را که وردی از اوراد فوت **شود** و از وقت خود **درگذرد** ...» گ ۴ پ.
«هرکسی به سر خود کارها به استبداد **نکردندی** و به خلاف رای یکدیگر **نبودندی**» گ ۳۸ پ.

آوردن فعل مفرد پس از فعل یا افعال جمع برای نهاد جمع:
«و فقرآءِ اهلِ صُفّه و زاهدانِ تابعین چون بخفتندی، میانِ خود و زمین چیزی نینداختندی و بعضی از ایشان بودند که پوستِ وجودِ خود را بر خاک می‌نهادند و جامه را بر بالای خود می‌پوشید» گ ۳۰ پ.

به کار بردن وجه مصدری کامل: نمونه‌های متعدد از وجه مصدری کامل در این متن وجود دارد که در اینجا به دو مورد اکتفا شده است: «فاتحه را در عقبِ امام می‌باید خواندن» گ ۶۱ پ.

«هریکی از این شب و روز خَلَف‌اند از یکدیگر تا هرچه در یکی فوت شده باشد، در آن یکی دیگر آن را درکِ توان کردن و مافات را توان دریافتن» گ ۱۸ پ. به کار بردن «یت» به معنی مصدری: احدیت، الهیت گ ۸۰ ر، افضلیت گ ۲۳ ر، بدلیت گ ۶۳ ر، بشریت گ ۶۸ پ، حیوانیت گ ۷۸ پ، خالقیت گ ۷۱ ر، عربیت گ ۴۶ ر، فرضیت گ ۵۲ ر، قابلیت گ ۴۳ پ، کراهیت گ ۳۰ پ، کمیت، کیفیت گ ۷۸ ر، وحدانیت گ ۸۰ پ.

۳-۸. حاصل مصدر

کوفتگی، ماندگی گ ۱۸ ر، مردگی گ ۳۱ ر، نشستگی گ ۳۵ ر.

۳-۹. اسم مصدر (مصدر مَرخَم)

پیش‌افتاد، دریافت، عزیزداشت

پیش‌افتاد: «بعضی از مشایخ چون در مریدی، شایستگی کمال و استعداد ترقی حال دیدند[ند] و در وی تفرّسِ نجابت و پیش‌افتاد کردند، این خرقه را پیش از تمامی و کمال او در وی پوشانیده‌اند» گ ۶۸ پ.

دریافت: «تدارک و دریافتِ اوقات این است که همین وقت را که در اوئی، نگاه داری» گ ۷۵ پ.

عزیزداشت: «هر کس که دولتی یافت، از عزیزداشتِ وقت یافت» گ ۷۵ پ.

به کار بردن اسم فاعل تام: امیدوارکننده گ ۴۵ پ، تعظیم‌کننده گ ۳۰ پ، سیاحت‌کننده گ ۷۷ ر، کارکننده گ ۵۰ ر، گرامی‌دارنده گ ۳۰ پ، نمازگزارنده گ ۶۱ ر.

۳-۱۰. قید

احتساباً ۲۷ ب، ایماناً گ ۲۷ پ.

نیمه مغفول از کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب _____ ۱۷۱
قید مرگب / اندک اندک گک ۲۴ پ.

کاربرد صفت یا قید «تمام»: «وَرِدِ هفتم: از زرد شدن آفتاب و فرومردن گرمی او به سر دیوارها و درختان برآمدن تا آن گاهی که تمام فرورود» گک ۳ پ.

به کار بردن «او» و «وی» برای غیر ذوی العقول:

«آخر این وقت را چاشتگاه بلند گویند و او آن وقت است که حق تعالی با او قسم یاد فرموده است» گک ۳ ر.

ابوموسی گفت: جمیع شب برمی خیزم و هیچ از شب نمی خفتم و در وی قرآن می خوانم» گک ۳۵ پ.

۱۱-۳. کاربرد حروف

«الف» تأکید (فعل نهی با «الف» تأکید در پایان آمده است):

مکنده: «ای اهل ایمان! مال و فرزندان شما را مشغول مکنده! از طاعت خدای» گک ۷۳ پ.

از [= برای]: فلان کس از چه دیر آمد و سبب از وقت دیرتر آمدن او چه بود؟ گک ۵۳ پ.

از برای [= برای]: «مستحب است که بین الظهر و العصر در مسجد معتکف گردد از برای باقی را» گک ۱۸ ر.

«با» [= به]: «تا نفس او با آسانی و رخصت معتاد نشود» گک ۲۳ ر.

«بر» [= با]: «اگر خواهد که خسبد، باید که بر طهارت خسبد و بر ذکر» گک ۲۳ ر.

«بر» [= در]: «نماز سنت و نافله را بر مکان دیگر گزارد» گک ۶۱ پ.

«به» [= با]: «و خدای را نشناسد تا آن گاه که به او معامله نکند» گک ۴۶ ر.

«به» [= برای]: «چون به نماز برخیزد، روی به قبله کند و بگوید...» گک ۳۱ پ.

«به» [= در]: «بنده چون گناه کند، به آن شب از قیام شب و صیام روز محروم شود»

گک ۳۶ پ.

به هم [= با هم]: «شرط آن است که خود را و جمع را که مقتدی اند، به هم دعا کند» گ ۶۰ پ.

«تا» [= برای این که]: «خدای تعالی... نفایسِ جواهر و ذخایرِ اسرار را جزاءِ عمل ایشان کرد تا دیده‌ی ایشان را به آن روشن گرداند» گ ۳۲ پ.

«چه» [= زیرا]: «او ندای آنی انا الله از درخت می‌شنید و لکن گوینده حق بود چه درخت را قابلیت این سخن گفتن نبود گوینده خدا بود و شنونده موسی» گ ۴۳ پ.
را [= برای]: «و مداومت را این سبک‌تر آید» گ ۲۹ پ.

کاربرد دو حرف اضافه:

«به ... بر»: «... و ملائکه به جهتِ استماعِ ذکر به زیرِ منبر بر جمع شوند» گ ۵۳ ر.
«به ... در»: «در ظنّ او این باشد که به آتش در بخواد در آمدن...» گ ۷۰ پ.
حرف اضافهٔ مرکب «از برای... را»، «از بهر... را»، «از جهت... را»، «به جهت... را»، «برای... را»:

«از برای ... را»: «... در مسجد معتکف گردد از برای نماز و ذکر را تا جمع کرده باشد میانِ اعتکاف و انتظارِ نماز» گ ۱۸ ر.

«از بهر ... را»: «و بعضی گفته‌اند: قیام شب و تملّی به حبیب و مناجات به دوست، قرب از دنیا نیست، از بهشت است که از بهرِ اهل خدای را در دنیا ظاهر کرده‌اند» گ ۳۳ ر.

«از جهت... را»: «و فاضل‌ترین آیات آنهاست که درازتر است از جهتِ بسیاری حروف را» گ ۲۱ پ.

«برای ... را»: «قرآن برای عمل کردن را فروفرستاده شد» گ ۴۷ پ.

«مر + را» به جای «برای»: «متفکّر بودن در مثل چنین ساعتی، فاضل‌تر باشد مر او را» گ ۱۶ ر.

عطف مکرر واژه‌ها: بدان که در آدمی، قوّت‌های نباتی و ملکّی و شیطانی و سماوی و ارضی و ناری و نوری هست. گ ۷۸ ر.

۱۲-۳. کاربرد اقسام «ی»

۱. «ی» استمراری به جای «می»: «مشایخ سلف کسی را که بعد از نماز صبح چشم او در خواب رفتی، امر می کردند که شب بخفت تا در این وقت به خواب نروی» گ ۳۵ ر.

۲. «ی» بیان آرزو: «ای کاش من زمانِ فلان بزرگ را دریافتمی» گ ۷۶ پ.
 ۳. «ی» بیان شرط: «اگر شب نبود، من خود بقا در دنیا دوست نداشتمی» گ ۳۳ ر.
 ۴. «ی» به جای کسره اضافه: «محمد - صلی الله علیه و سلم - علوم نبوت را در امت نشر فرمود و سبیلی خدای را به سنن خویش واضح و لایح گردانید» گ ۶۵ پ.
 مثال ۲: «خدای تعالی، گناهانی هشتاد ساله او را بیامزد» گ ۵۵ ر.

۵. «ی» خطاب: «بدان ای بنده! که مقصود از جمع قرآن توی [تویی] از آنجا که فاتحه کتاب است تا به خاتمه از جمله معانی مراد توی [تویی]» گ ۴۴ ر.
 ۶. «ی» لیاقت: نا دیدنی، نارفتنی، نا شنیدنی، ناگرفتنی، گ ۷۶ ر، ناکردنی گ ۱۵ ر.

۱۳-۳. حذف صامت

گاه واژگانی را به گونه کوتاه شده و حذف صامت آورده است: پاصد [= پانصد] گ ۷۲ پ، شباروز [= شبانه روز] گ ۱۷ پ، شباروزی [= شبانه روزی] گ ۳۷ ر، گرابار [= گرانبار] گ ۳۰ ر، هشصد (= هشتصد) گ ۲۷ پ، هفصد (= هفتصد) گ ۵۱ پ، همو [= هم او] گ ۶۴ پ.

۳-۱۴- عدد

عدد مبهم «اند»: «و به توفیق خدا [ی] تعالی، در علم حدیث، شصت و اند شیخ محدث مفسر را دریافتم» گ ۶۷ پ.

۴. رسم الخط نسخه

مصوت بلند «آ» در بسیاری موارد بدون «مد» تحریر شده است: ابگینه گ ۲۱ ر، اثار گ ۲۷ ر، ااثام گ ۱۶ پ، اخر گ ۲۱ پ، ارام گ ۲۷ ر، ازاد، اسانی گ ۴ پ، اسمان گ ۵۳ ر، افات گ ۲۰ ر، افتاب گ ۵۴ پ، امده گ ۳۸ ر، ان گ ۳ ر، انجا گ ۱۶ پ،

انگاه گک ۵۹ ر، انها گک ۳۴ ر، آوردن گک ۱۴ ر، بر آمدن گک ۳ ر، در اید گک ۲۷ پ، هر اینه گک ۴۲ پ.

برعکس، در مواردی بر واژگانی که امروزه بدون «مد» نوشته می شود، از این علامت استفاده کرده است: اعمال گک ۱۷ پ، آنها گک ۵۹ ر، بخرآمد گک ۱۹ پ، خیرآت گک ۵۲ ر، آدا [= ادا] گک ۵۳ ر، اعمال گک ۱۷ پ، بدان که [= بدان که] گک ۶۹ پ، بیارآمد گک ۲۳ ر، روایت گک ۲۲ ر، سودآ گک ۷۶ پ، سیآت گک ۷۳ پ.

«الف» است، در بسیاری از موارد حذف و در مواردی حفظ شده است.

شناسه سوم شخص جمع را به دو صورت «اند» و «ند» آورده است: حاضراند گک ۲۳ ر، خلف اند گک ۱۸ پ، کسان اند گک ۲۲ ر، مشغول اند گک ۱۸ ر، مشهوراند گک ۶۶ ر، و: پرسیدند گک ۲۳ ر، موکلند گک ۲۵ پ.

اثبات همزه ای که (امروزه) در اتصال به ضمیر تبدیل به «ی» شده است: آنهااند: «طبقه اول آنهااند» که قرائت به تفکر خوانند و بگیرند» گک ۳۶ ر.

«ای» نشانه وحدت و نکره در کلمات مختموم به «ه» به صورت «ه» کتابت شده است: «بعضی از مشایخ گفته اند که من **سوره** را آغاز می کنم و بعضی از مشاهدات معانی او مرا می ایستاند» گک ۴۲ پ.

حرف اضافه «به» همه جا به واژه بعد از خود متصل است.

حرف «پ» گاهی با سه نقطه کتابت شده که شامل این موارد است: پاک گک ۴۵ پ، پاگان گک ۷۲ ر، پانزده گک ۵۰ پ، پانزدهم گک ۵۱ ر، پایان گک ۷۱ پ، پُر گک ۳۳ پ، پراکنده گک ۷۹ پ، پرسند گک ۴۶ ر، پرسید گک ۶۳ ر، پرسیدن گک ۵۸ پ، پرسیدند گک ۴۷ پ، گک ۵۲ ر، پرنور گک ۲ ر، پروردگار گک ۳۳ ر، پس گک ۴ پ، گک ۶۸ پ، پست گک ۶۱ پ، پستان گک ۶۸ ر، پگاه گک ۵۳ پ، پنج گک ۵۹ پ، پنجم گک ۵۳ ر، پنج شنبه گک ۵۴ پ، پوشیده گک ۸۰ پ، نپرسیده گک ۳۷ پ، نپوشاند گک ۷۳ پ و در سایر موارد با یک نقطه و به صورت «ب» کتابت شده است.

«ت»: در کلماتی مانند اجازات گ ۶۷ پ، حرکات گ ۷۵ پ، حیات گ ۷۱ پ، خصلت گ ۶۲ پ، قوّت گ ۷۸ پ، مدارات گ ۱۵ پ، نجات گ ۷۱ پ، با املای عربی و به صورتِ اجازا، حرکا، حیوة، خصله، قوّه، مدارا، نجاّه کتابت شده است.

حرف «چ» در همه موارد به صورت «ج» (با یک نقطه) آمده است.

حرف «گ» همه جا به صورت «ک» کتابت شده است.

حرف ربط «چه» و «که» به همین صورت امروزی کتابت شده است، مگر در «آنچ» [= آنچ] و چنانچ [= چنانچ]، «آنک»، «آنانک»، «بدانک»، «بلک»، چنانک [= چنانک] و همچنانک [= همچنانک].

اگرچه به طور کلی دال و ذال فارسی را مراعات نکرده و عموماً کلماتی مانند باد، بود را به همین صورت می نویسد؛ اما گاهی با ذال ضبط آورده است؛ مانند: آذینه و آذینه گ ۵۲ پ.

حرف نشانه یا اضافه «را» در اکثر موارد به واژه پیش از خود متصل شده است و در برخی موارد به صورت جدا ضبط شده است.

«می» نشانه مضارع اخباری یا ماضی استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است.

در کلمات مشدد، کاتب همه جا مقید به گذاشتن تشدید نبوده است.

«ن» نفی آغاز افعال، به هر دو صورت منفصل و متصل مکتوب شده است. شواهد موارد منفصل آن اینهاست: «نه برد» [= نبرد] گ ۷۴ پ، «نه بودی» [= نبودی] گ ۴۲ پ، «نه بیند» [= نبیند] گ ۳۷ ر، «نه بینند» [= نبینند] گ ۴۶ پ، «نه پردازد» [= نپردازد] گ ۷۷ ر، «نه دارد» [= ندارد] گ ۴۷ ر، «نه دانند» [= ندانند] گ ۴۶ پ، «نه دهد» [= ندهد] گ ۶۹ پ، «نه شدند» [= نشدند] گ ۶۳ ر، «نه شده ام» [= نشده ام] گ ۴۵ پ، «نه شوند» [= نشوند] گ ۷۲ پ، «نه گردد» [= نگردد] گ ۲۱ ر، «نه گرید» [= نگرید] گ ۴۳ ر، «نه گویم» [= نگویم] گ ۴۰ ر، «نه میرد» [= نمیرد] گ ۳۷ ر.

حذف واو معدوله: کاتب واو معدوله را دو بار حذف کرده است:

خاب (= خواب) گ ۶۹ ر؛ خاندۀ گان (= خوانندگان) گ ۴۱ ر.

«های غیرملفوظ» در اتصال به «های جمع» حذف شده است: جشمها [= چشمه‌ها] گ ۷۸ ر، خانها [= خانه‌ها] گ ۳۹ ر، خیمها [= خیمه‌ها] گ ۲۰ پ، رجبها [= رجبه‌ها] گ ۵۸ پ، سایها [= سایه‌ها] گ ۳۳ پ، سکتها [= سکتۀها] گ ۶۱ پ، سورها [= سورۀها] گ ۶۰ پ، فتنها [= فتنه‌ها] گ ۱۵ پ، نامها [= نامۀها] گ ۵۳ ر.

در مواردی واژه‌هایی که به «ه» غیرملفوظ پایان می‌گیرد، چه در حالت جمع ان / گان و چه به هنگام پیوند با ی / گی حاصل مصدر، حرف «ه» در آنها باقی مانده است که عبارت‌اند از: خاندۀ گان (= خوانندگان) گ ۴۱ ر، زندۀ گان گ ۶۵ ر، بندۀ گانگ ۷۱ ر، بندۀ گی گ ۷۳ پ و در سایر موارد به شکل امروزی آن ضبط شده است.

هر دو صورت «ه» و «ت» در کلمات عربی کتابت شده است و گاه به صورت «ه»: خصلۀ گ ۶۲ پ، خصلت گ ۶۲ پ، خصله گ ۶۳ ر.

کاتب گاهی زیر حرف «س» سه نقطه گذاشته است.

در این موارد زیر حرف «ی» دونقطه گذاشته شده است: سفیدی گ ۳ پ، بی‌خسارت گ ۲۴ ر، شیخی گ ۶۸ پ.

به کار بردنِ همزه به جای صامت میانجی «ی» در کلمات مختوم به مصوت بلند (a) و (u): شبهاء هفته [= شبهای هفته] گ ۲۷ پ، وضوء تام [= وضوی تام] گ ۲۷ پ

گاهی نشانهٔ اضافهٔ «ی» را نیاورده است: خانه خود [= خانۀ خود] گ ۲۱ پ، خانه رسول [= خانۀ رسول] گ ۲۰ ر، غلبۀ خواب [= غلبۀ خواب] گ ۲۳ ر، میانۀ آبگینه [= میانۀ آبگینه] گ ۲۱ ر.

«ی» خطاب را در کلمه‌ای مانند «تویی» به صورت «توی» نشان داده است: «بدان ای بنده! که مقصود از جمیع قرآن **توی** از آنجا که فاتحۀ الکتاب است تا به خاتمۀ ازجملۀ معانی مراد **توی**» گ ۴۴ ر.

از امتیازات این نسخه، داشتن رکابه (= پاورق، پای برگ) است. کاتب در رکابه‌نویسی، دو روش را به کار بسته است؛ به این صورت که در برخی موارد، یک یا چند واژه از انتهای سطر پایانی صفحه زوج (پشت) را در آغاز سطر اول صفحه فرد (رو) تکرار کرده است؛ اما در اکثر صفحات، شیوه معمول را در پیش گرفته است؛ بدین گونه که یک یا چند واژه آغازین از صفحه فرد (سمت چپ) را در پایین صفحه زوج (سمت راست) زیر آخرین کلمه یا کلمات نوشته است (۵).

جدانویسی برخی کلمات مرکب و حتی ساده: آرام‌گاه گ ۷۲ ر، بامداد گ ۵۷ پ، بی‌دار گ ۱۸ ر، بی‌داری گ ۴۶ ر، پنج‌گانه گ ۵۱ پ، پی‌رو گ ۴۱ پ، پی‌روی گ ۴۷ پ، گ ۸۲ پ، ترس‌کار گ ۴۶ ر، تن‌درستان گ ۷۳ ر، تنگ‌دستی گ ۵۲ ر، چه‌گونه گ ۵۵ ر، خوب‌روی، خوش‌بوی گ ۱۳ پ، دامن‌گیر گ ۱ پ، راه‌روان گ ۱۵ ر، زیان‌کار گ ۴۷ ر، سبک‌بار گ ۷۰ ر، سبک‌باری گ ۳۰ ر، شب‌روان گ ۲ پ، من‌زل [= منزل] گ ۳۹ ر، من‌زله [= منزله] گ ۲۲ ر، هم‌دم، هم‌راز گ ۶۴ پ، یک‌دل گ ۳۸ پ، یک‌دیگر گ ۱۸ پ.

گاهی دو ضبط از یک کلمه کتابت شده است: فریضه گ ۶۱ پ/ فریضیه گ ۵۲

ر.

در مواردی کاتب، مرتکب سهوهای کتابت شده است: خیالات [= خیالات] گ ۶۶ ر، کلمات [= کلمات] گ ۶ ر، مجسد [= مسجد] گ ۵ ر، محققان [= محققان] گ ۶۶ ر،... گاهی در ضبط آیات قرآن نیز دچار اشتباه شده است: «فَسَبِّحْ (= و سَبِّحْ) بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ...» گ ۲ پ.

در مواردی به نظر می‌رسد که سهواً بعضی از حروف کلمات افتاده‌اند: ایشا [= ایشان] گ ۳۲ پ، زمینان [= زمینان] گ ۷۳ پ، فلاکس [= فلان کس] گ ۳۲ پ، نکد [= نکند] گ ۵۶ ر.

این نسخه پس از کتابت، بار دیگر ملاحظه و بازبینی شده و اغلاط و افتادگی‌ها را در حاشیه اصلاح و صورت صحیح آن‌ها مکتوب شده است؛ اما باز موارد بسیاری از

نظر کاتب پنهان مانده است. در این نسخه، نقطه‌های زائد و قصور در نقطه گذاری و جابه جایی نقاط اندک نیست. در مواردی نیز به منظور سهولت در تلفظ، کلمات را مشکول کرده است.

۵. نتیجه گیری

بخش دوم (یا به تعبیری جلد دوم) کتاب *اوراد الاحباب و فصوص الآداب* ابوالمفاخر یحیی باخرزی، برخلاف شیوه‌های معمول و مرسوم، مجزاً از بخش نخست (/جلد نخست)، تصحیح، چاپ و منتشر شده است. معروفیت بخش دوم کتاب *(فصوص الآداب)* موجب شده است بخش نخست *(اوراد الاحباب)* به کلی مغفول بماند و فواید ادبی، اجتماعی و تاریخی آن در کانون توجه محققان نباشد. اشتها بخش دوم کتاب تا آن جاست که نام مشهور کتاب *-اوراد الاحباب-* در حقیقت متعلق به بخش چاپ نشده کتاب است و آنچه چاپ شده است، *فصوص الآداب* است. از آن جا که این کتاب، در هر دو بخش حاوی اطلاعات مفید و مهم در شناخت نظام تصوّف و خانقاه و آداب و رسوم رایج در میان صوفیان و نگرش آن‌هاست، شایسته توجه ویژه است. تا کنون محققان تنها از بخش دوم کتاب بهره‌مند بوده‌اند. تصحیح و نشر بخش نخست نیز گامی مهم در تکمیل بهره‌رسانی کتاب و استفاده محققان خواهد بود. به علاوه، متن کتاب از نظر ویژگی‌های زبانی، آوایی، واژگانی و نحوی، مهم و دارای فواید بسیار است که در پژوهش‌های تاریخی زبان فارسی هم کارآمد خواهد بود.

۶. پی نوشت

۱. (فصّ = نگین؛ مجازاً به معنی نکته اساسی) زنده یاد استاد ایرج افشار، فهرست فصوصِ قسم اوّل را برای اطلاع علاقه‌مندان در مقدمه جلد دوم (فصوص الآداب) درج کرده است که بیست فصّ از فصوص این متن را شامل می‌شود و ذکر پنج فصّ از این متن از نظر ایشان مغفول مانده است. همچنین این سهو به مقالات مندرج در دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها و ... راه یافته و همگی شمار فصوص این متن را بیست فصّ دانسته‌اند.
۲. فهرست‌نگار کتاب‌خانه دانشگاه تاشکند به خطا، نام کتاب را «ادوار الاحباب و فصوص الآداب» ضبط کرده است. با وجود مکاتبات و تماس‌های تلفنی که از طریق رایزنان فرهنگی و دیپلمات‌های وزارت امور خارجه برای دسترسی به این نسخه به عمل آمد، متأسفانه تا کنون پاسخ مثبتی برای دریافت نسخه مذکور از جانب مسئولان کتاب‌خانه و دانشگاه تاشکند دریافت نشد.

۴. به نظر محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸ ش) این ویژگی زبانی، تبدیل د / ت (بیشتر در فعل‌ها) ویژگی زبان مشرق ایران بزرگ بوده است. این نکته از منظر زبان‌شناسی تاریخی، بیشتر مرتبط با کاتبان نسخه‌هاست و احتمالاً ربط چندانی به مؤلفان ندارد؛ مگر اینکه نسخه به خط مؤلف باشد یا کاتب کوشیده باشد که عین تلفظ مؤلف را - که از اهالی مشرق زبان فارسی بوده است - عیناً رعایت کند. به همین دلیل در یک متن که به قلم چند کاتب مختلف کتابت شده است، بعضی می‌نوشته‌اند: «آمدیت» و بعضی می‌نوشته‌اند «آمدید» و اگر نسخه‌های دیگر از آن به دست آید، ممکن است این خصوصیت را نداشته باشد» (غزلیات شمس تبریز، ج ۱، ص ۳۱۲، به تصحیح شفیعی کدکنی؛ همچنین رجوع شود به مقدمه اسرارالتوحید، ص صد و هشتاد و دو، به تصحیح شفیعی کدکنی و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، ص ۳۹).

۵. با این کار مشخص می‌شد که واژگان آغازین برگه بعدی چیست. همچنین اگر نسخه آسیب‌دیده و برگه‌های آن آشفته شد، صحاف می‌توانست با اندکی صرف وقت، برگه‌ها را مرتب کند. روشن است که هیچ عاملی به اندازه وجود «رکابه» در تشخیص افتادگی‌ها یا جابه‌جایی برگه‌های نسخه کارآمد نیست و لذا گاهی لازم است تا هنگام بررسی نسخه به رکابه‌های آن نیز توجه داشته باشیم. این بررسی‌ها به‌ویژه آن‌گاه که احتمال افتادگی در نسخه وجود دارد، بایسته است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۳).

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۸۳). «مقدمه». باخرزی، ابوالمفاخر یحیی. اوراد الاحباب و فصوص الآداب (جلد دوم، فصوص الآداب). چ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی (۱۳۸۳). اوراد الاحباب و فصوص الآداب (جلد دوم، فصوص الآداب). چ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۸). «جایگاه روایت‌شناختی و بلاغی نیایش در مثنوی». مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمnan. دوره ۱۰. شماره ۱۹. ۱۶۰-۱۲۷.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۳). فهرست میکروفیلم‌های کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). دنباله جستجو در تصوف ایران. چ ششم. تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵). غزل‌های سعدی. به تصحیح غلام‌حسین یوسفی. چ اول. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقدمه. تصحیح و توضیحات حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، جمال‌الدین ابوروح. چ هفتم. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸). [مقدمه] اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. چ هشتم. تهران: آگاه.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه، گزینش و تفسیر غزلیات شمس تبریز. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- شمس، محمّدجواد (۱۳۸۱). «باخرزی، ابوالمفاخر» در: موسوی بجنوردی، کاظم (سرپرست). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج یازدهم. تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- صفّا، ذبیح الله (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم. چ سیزدهم. تهران: فردوس.
- صفری آق قلعہ، علی (۱۳۹۰). نسخه شناخت (پژوهش نامه نسخه شناسی نسخ خطی فارسی). چ اول. تهران: میراث مکتوب.
- طالبیان، یحیی و مستعلی پارسا غلامرضا و امینی اسالمی، حمید (۱۴۰۲). «کارکرد بلاغی وجوه جملات در منظومه گرشاسب نامه و داستان بیژن و منیژه شاهنامه». مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان. دوره ۱۴. شماره ۳۱. ۲۱۴-۱۹۱.

References

- Afshar, Iraj (2004). "Introduction". *Bakharzi, Abul-Makher Yahya. Owrad ol-Ahbab and Fous ol-Adab* (2nd volume, Fous ol-Adab). 2nd edition. Tehran: Tehran University Press (In Persian).
- Daneshpajuh, Mohammad Taghi (1974). *List of Microfilms of the Central Library and Document Center of Tehran University*. Tehran: Tehran University Press (In Persian).
- Sa'di, Mosleh bin Abdullah (1385), *Sa'di's Ghazals*, edited by Gholam Hossein Yusofi, Chapter 1, Tehran: Sokhan (In Persian).
- Safa, Zabihullah (2007). "istory of Literature in Iran. Vol. 3, 13th Edition, Tehran: Ferdows. (In Persian).
- Safari Aqqal'eh, Ali (2010). *Codicology (Research in Persian Manuscripts)*. 1st ed. Tehran: Miras-e Maktoob (In Persian).
- Shafi'i Kadkani, Mohammadreza (2006). *Introduction, Correction, and Explanation of words of Abu Sa'id Abu Al-Khayr*, Jamaluddin Abu Rowh. 7th chapter. Tehran: Sokhan (In Persian)
- Shafi'i Kadkani, Mohammadreza (2009). [Introduction] *Asrar al-Towhid fi Maqamat al-Sheikh Abi Sa'id*. 8th chapter. Tehran: Agah (In Persian)
- Shafi'i Kadkani, Mohammadreza (2008). *Introduction, Selection and Interpretation of Shams Tabriz's Poetry*. 4th edition. Tehran: Sokhan (In Persian).
- Shams, Mohammad Javad (2002). "Bakharzi, Abol-Mafakhir" in: Mousavi Bojnurdi, Kazem (Editor), *The Great Islamic Encyclopedia*, vol. 11, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Foundation (In Persian).
- Talebian, Yahya & Gholamreza Mastali Parsa & Hamid Amini Asalemi (2023). "Rhetorical function of sentence moods in Garshasnamehpoem

and the story of Bijan and Manizheh from Shahnameh". *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. Vol. 10. No. 31. pp. 191-214 (In Persian).

- Tavakkoli, Hamidreza (2019), "Supplications in Mathnawī: A Narratological and Rhetorical Interpretation". *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. Vol. 10. No.19. pp. 127-160 (In Persian).

- Zarrinkub, Abdul Hossein (2006). *The search sequence in Iranian Sufism*. 6th edition. Tehran: Amir Kabir (In Persian).

